



مروری بر چند کتاب

ماه، پشت ابرو

با حسین علی‌نماندن راحت‌تر است!

خب دوستان! تعارف که نداریم! تجربه به همه‌مان نشان داده خوب ماندن توی دنیای امروز در اکثر موارد در زندگی بعضی وقت‌ها بین عمل دینی، اخلاقی و عمل مرسوم، مقبول جامعه، راحت، مانده‌ایم و شک حوصله یا انرژی مبارزه با عملی که می‌فهمیدیم اشتباه است ولی در جامعه کوچک یا بزرگ اطراف مان ر خیلی وقت‌ها هم می‌دانستیم عملی درست و خوب است ولی در خودمان قدرت ایستادن پایش را ح اما از آنجا که ما آدم‌ها دوست نداریم خیلی واضح طوری عمل کنیم که با باورها و ارزش‌هایمان مغایرت ارزش‌ها سخت شود، از ابزاری کمک می‌گیریم که شکاف بین عمل و باورمان را بپوشانند. آن ابزار اسمش سال ۶۱ هجری، بودن کنار امام حسین خیلی سخت بود. از اولش نه، اولش جماعت زیادی با او همراه کوفه! شیعیان کوفه از خدایشان بود با حسین باشند و از شر حکومت اموی خلاص شوند. اما به مرور بالای دارالاماره پایین انداختند و بدنشان را محله به محله گردانند، وقتی که با حسین بودن دیگر هزینه با امام حسین ماندن نمی‌صرفید و باید توجیهی وسط می‌آمد که به مردم کمک کند راحت‌تر پای امام محبان امام که آن روز پشت امام را خالی کردند، چطور روضه‌هایی که ما امروز بعد از چهارده قرن تاب نمی‌رهربر انقلاب جایی گفته‌اند اگر امام حسین می‌خواست با دید یک متشرع معمولی نگاه کند و عظمت کند و بگوید دیگر تکلیف نداریم. کاری که خیلی از دوستان ایشان کردند اما امام نکرد و این نشانگر نیست. تحمل مشکلات برای انسان بزرگ آسان‌تر است از تحمل مسائلی که برحسب موازین - موازین سیدعلی‌اصغر علوی در کتاب «توجیه‌المسائل کربلا» توجیهات مختلفی که برای گناه و پای کار درست، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، روانی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی از جمله توجیهاتی است که در این کتاب

یک روضه شسته‌رفته

احتمالا شما هم وسط روضه یک وقت شنیده‌اید روضه‌خوان می‌گوید، فلان مطلب را سید بن طاووس نفس المهموم می‌گوید که... بعد از شنیدن این خرده داستان‌ها یا همان روایات خودمان، گاهی آدم بردارد، ورق بزند ببیند چه نوشته و این همه داستان پراکنده که از کربلا و امام حسین علیه‌السلام می‌شود و دیگر چه چیزهایی می‌شود در این کتاب‌ها پیدا کرد؟ چه چیزهایی غیر از همه آن چه وسط روضه از مد که می‌شنود بعد باز خیال می‌کند کتاب‌های سنگینی است. یعنی هر چه قدر هم کنجکاو و علاقه تح تاریخی کتاب می‌گوید خیال این کتاب‌ها را بگذار گوشه‌ای و به همان که در روضه می‌شنوی اکتفا کن. ما قناعت می‌کنیم معمولاً. این همه طول و تفسیر برای مذمت یک عادت معمول و رایج و طبیعی نبود و فی المثل «نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم» نوشته شیخ عباس قمی در قرن چهارده صفحه به صفحه رفته‌اند جلو؟ ولی شما اگر دوست دارید یک دور از ابتدای ولادت امام حسین علیه‌السلام و شام و بازگشت اهل بیت به مدینه را خلاصه طور و به فارسی روان از زبان یک داستان نویس بخوانید یعنی نویسنده کتاب، در زیر عنوان، آن را این طور توضیح می‌دهد: برش‌هایی کوتاه از زندگی امام حسین روان خودمانی درباره کتاب بگویم جنابشان رفته سربخت همین منابعی که ما سراغش نمی‌رویم و انتخاب کرده. بعد همین روایات را در قالب خرده داستان‌هایی با نثر فارسی روان بازنویسی کرده است. اصلی روایی استفاده کنیم یک بار یک تصویر کلی از زندگی و زمانه امام جلوی چشمان داشته باشیم روان از ماجرابی بخوانیم که بیشتر به یک قصه شبیه است. قصه‌ای که واقعی ست اما باور کردنی نیست

دمید روح غم اندر تن مه غم عالم

تو نوحه سر بده چون شد عزای اشرف آدم

لباس تیره به تن کن، ز داغ نوحه تو سر کن

که گشته ماه عزا و دوباره گشت محرم

عاشورا و تمام میراث آن، مهم‌ترین و اثرگذارترین جریان در حفظ عظیم‌ترین گنجینه اعتقادات و پایداری در مسیر تحقق آرمان و از همه مهم‌تر، تلاش برای حفظ اسلام و سنت رسول اکرم (ص) است که پیش از تحریف و توسط افرادی که جهان را جز برامیال مادی خود نمی‌دیدند.

آنهایی که بنده زرو زور و تزویر شده بودند و برای دست‌یابی به آن از ریختن خون ذریه رسول خدا هم دریغ نکردند و جهنم را به بیعت با او ترجیح دادند و شد آنچه که باید می‌شد و شرح ماوقعش سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شد و بعد از ۱۴ قرن هم سر سوزنی از آن هیبت و رنج کم نشده است.

برای رسیدن به کنه وجود عاشورا و درک واقعی آن چیزی که گذشته است، باید خواند؛ باید روایات مختلفی را به جان خوراند تا ذره‌ای اندک از آن فاجعه بزرگ درک شود؛ همان فاجعه بزرگی که عالمیان در وصفش درمانده‌اند....

کتابی که درس‌های کربلا را

سر سفره خانواده‌ها می‌گذارد

حالا که ماه، ماه ماتم است و باز شورش عشقی، چون عشق حسین (علیه‌السلام) در دل‌های خلق عالم زبانه می‌کشد و حریف می‌طلبد و تقدس ساحت ملکوتی‌اش را به جهانیان نشان می‌دهد، وقت آن است که در بساط وسیع و کامل سیدالشهدا، از همین جای روضه که حالا به احترام پروتکل‌های بهداشتی، از خوردنش منع شده‌ایم تا روضه و نوحه و مداحی‌اش دنبال چیز دیگری بگردیم.

خودمانیم، غریبه که بینمان نیست، در این دوره و زمانه نخ بسیاری از مشکلات را که می‌گیریم آخرش به خانواده می‌رسیم. خانواده‌ای که اعضایش، امروز روز به لطف بمباران‌های تبلیغاتی و هجومی و مصرف‌زده، نقش خود را از دست داده یا در نبردی نابرابر برای در امان بودن از ترکش‌ها، در لاک دفاعی فرو رفته و بخشی از توان خود را صرف محافظت از حریمش کرده است. برای همین است که می‌گویم این روزها در دستگاه انسان‌ساز امام حسین (علیه‌السلام)، باید دنبال چیزهای دیگری هم بگردیم که مرهمی باشد بر زخم‌های این زندگی ترک خورده؛ مثلاً خیلی خوب می‌شود اگر علاوه بر شنیدن روضه و مدح و مقتل، همراه گریه و دعا کردن و حاجت گرفتن، یک نکته اضافه بر سازمان و اشانتیون‌طور دستگیرمان شود که اتفاقاً کاربردی و به درد بخور هم باشد.

«در میان روضه‌های زندگی کردن خوش است» دقیقاً از همین جنس کتاب است؛ زندگی در میان روضه‌ها، زندگی در کربلا یا بهتر بگوییم آوردن کربلا در زندگی‌های امروزی. محسن عباسی ولدی، نویسنده این کتاب، برای دلش شرط می‌گذارد که اگر می‌خواهد از کربلا بنویسد، لاقلاً از روضه‌هایی بگوید که بشود با آنها زندگی کرد و خب البته خوش‌شانس هم بوده که دلش سر ناسازگاری برنداشته و شرطش را بی‌چون و چرا پذیرفته است. او در این اثر که اولین کتاب از مجموعه حسینیّه وازه‌هاست، با زبانی ساده و روان و دلنشین از

کربلا و اتفاقاتش می‌گوید. از رباب که هیچ وقت زبان به گله از شوهرش باز نکرد؛ از قاسم و از دلیل «احلی من العسل» گفتنش؛ از رقیه و از همه بچه‌هایی که از اسب سواران می‌ترسیدند و از قصه بخشش خُر. گره زدن این وقایع با مشکلات امروزی خانواده‌ها، هنر اصلی این نویسنده است آنجا که از شیوه همسر داری رباب، تربیت قاسم گونه فرزندان و قرار گرفتن در موقعیت بخشش می‌گوید.

